

اولویت‌بندی راهبردهای امنیت پایدار در آمایش مناطق مرزی
(مطالعه موردی: استان کردستان)

میر نجف موسوی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران، نویسنده مسئول)

mousavi424@yahoo.com

محمد ویسیان (کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

mwaysian63@gmail.com

حکیمه خلیفی پور (کارشناسی ارشد مهندسی منابع طبیعی-محیط زیست، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ایران)

h.khalifipour@yahoo.com

چکیده

از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده امنیت یک جامعه، وجود نابرابری‌های فضایی بین مناطق مختلف جغرافیایی آن است. این نابرابری‌های توسعه‌ای، شکاف‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را عمیق‌تر می‌کند. در این بین مناطق مرزی کشور با مشکلات بسیاری از جمله: خالی شدن سکنه، مهاجرت مرزنشینان، جدای‌گزینی از برنامه‌های توسعه کشور، عدم امنیت پایدار و... مواجه‌اند که این امر ضرورت انجام مطالعات علمی و نظم‌بخشی به تصمیم‌گیری از طریق تدوین و اولویت‌بندی راهبردها و برنامه‌های توسعه کارآمد در چارچوب آمایش مناطق مرزی را انکارناپذیر می‌سازد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و میدانی (بر اساس پرسشنامه) در قالب طیف لیکرت است. در این پژوهش بر اساس نظرات کارشناسان نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای امنیت پایدار در منطقه در قالب مدل SWOT مطالعه، شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که وضعیت توسعه امنیت پایدار استان کردستان از الگوی تهاجمی (SO) تبعیت می‌کند. با توجه به تعریف این الگو، باید راهبردهایی را اتخاذ کرد که با بهره‌گیری از نقاط قوت درصدد بهره‌برداری از فرصت‌ها برآییم و بتوانیم به توسعه پایدار امنیت دست‌یابیم. در نهایت از روش QSPM با توجه به شرایط فعلی، اولویت‌بندی راهبردهای مناسب در جهت آمایش مناطق مرزی مشخص گردید. یافته‌های حاصل از اولویت‌بندی راهبردها نشان می‌دهد که

از بین راهبردهای تدوین شده بالاترین جذابیت مربوط به آماده‌سازی حداکثری نیروی انتظامی جهت مقابله با ناامنی‌های احتمالی با نمره ۶/۶۵ است و پایین‌ترین جذابیت به راهبرد مبارزه با اشرار و قاچاقچیان در سطح استان با نمره ۵/۱۵ تعلق دارد.

کلیدواژه‌ها: آمایش سرزمین، راهبرد، امنیت پایدار، توسعه، استان کردستان.

مقدمه

مهم‌ترین نیاز جامعه، خواه یک طایفه یا قبیله و خواه یک کشور، تأمین امنیت آن‌ها توسط مهم‌ترین نیاز جامعه، خواه یک طایفه یا قبیله و خواه یک کشور، تأمین امنیت آن‌ها توسط دولت‌هاست (Momeni, 2011: 36). امروزه با گسترده و پیچیده شدن جوامع، موضوع امنیت ابعاد گسترده و پیچیده‌ای به خود گرفته است. امنیت یکی از اصلی‌ترین عوامل پایداری جوامع امروزی به شمار می‌آید (Hedayati & Abbasi, 2009: 178). وجود بی‌عدالتی‌های جغرافیایی و توسعه ناموزون بخش‌های جغرافیایی کشور ممکن است موجب آسیب همبستگی ملی شده و منجر به بروز تحرکات و اغرایانه به‌ویژه در مناطق قومی شود که این مسئله تأثیر سوئی بر امنیت و در نتیجه توسعه کشور دارد (Ebrahimzade et al., 2012: 217). یکی از مهم‌ترین عواملی که امنیت یک کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد، وجود نابرابری‌های فضایی بین مناطق مختلف جغرافیایی آن کشور است (Etaat & Mosavi, 2011: 75). نابرابری‌های توسعه، می‌تواند شکاف‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را عمیق‌تر نماید. این موضوع در ایران به دلیل تنوع مذهبی و فرهنگی اهمیت بیشتری دارد. از این رو توسعه و پایداری امنیت نتیجه کاهش فقر، بیکاری و برابری شهروندان است (Adami et al., 2011: 10). توسعه و امنیت مکمل یکدیگرند. بدیهی است امنیت، مرهون توسعه است و توسعه تضمین‌کننده امنیت ملی است (Seydaee & Hedayati Moghadam, 2010: 102). یکی از عرصه‌های نوین در مطالعات حوزه برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه کشور، مناطق مرزی است (Andalib & Matuf, 2009: 58). مناطق مرزی در هر کشوری دارای ویژگی‌های خاصی بوده و به‌طور اساسی با مناطق داخلی کشور تفاوت‌هایی دارند.

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در مناطق مرزی پیشروی مسئولان امور قرار دارد مسئله امنیت مناطق مرزی است. مسئله حفظ و گسترش امنیت مناطق مرزی، به‌ویژه در کشورهایی که دارای مرز مشترک طولانی با همسایگان خود هستند همواره مورد توجه و حساسیت مسئولان امور بوده است (Karimi & Vafee, 2013: 96). در این بین آمایش مناطق مرزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. از نظر ساختار فضایی، مناطق مرزی علاوه ویژگی دوری از مرکز، دارای ویژگی‌های کالبدی خاص مناطق مرزی می‌باشند که در مجموع باعث تشدید گسستگی فضایی و در نتیجه توسعه‌نیافتگی آن‌ها می‌شود (Nami, 2012: 175). مناطق مرزی، از نقاط حساس و استراتژیک کشور محسوب می‌شوند و عدم توسعه‌یافتگی، فقدان اشتغال، عدم دسترسی به نیازهای اولیه در این مناطق می‌تواند باعث شکاف بین مرکز و پیرامون شود و سبب آسیب‌همبستگی ملی شده همچنین منجر به بروز تحركات واگرایانه به‌ویژه در مناطق قومی، مذهبی شود در نتیجه این مسئله تأثیر سوئی بر توسعه امنیت پایدار در منطقه و کشور خواهد گذاشت. در این زمینه مخصوصاً مناطق غربی کشور از این قاعده مستثنی نیست عدم توسعه‌یافتگی سبب از بین رفتن امنیت پایدار شده و سبب احساس ناامنی در مناطق موجب بروز بحران برای کشور خواهد شد. بنابراین توجه به عوامل مؤثر بر توسعه امنیت پایدار به‌عنوان بستری برای توسعه‌یافتگی و ایجاد ارتباطات اجتماعی در نتیجه ایجاد مناطق پایدار به لحاظ امنیتی در مناطق مرزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بی‌تردید نمی‌توان بدون شناخت عوامل مؤثر بر توسعه در جهت پایداری مناطق مرزی و ثبات امنیت در این مناطق گام برداشت. در معادله امنیت یک منطقه مؤلفه‌ها و متغیرهای زیادی تأثیر می‌گذارند که بعضی ناشی از عوامل محیط و برخی متأثر از عوامل بیرونی و درونی می‌باشند. از آنجایی که بحث توسعه و امنیت مناطق مرزی در حوزه مباحث آمایش سرزمین قرار دارد در این پژوهش اولویت‌بندی راهبردهای توسعه امنیت پایدار در چارچوب آمایش مناطق مرزی استان کردستان بررسی شده است. در نهایت عوامل مؤثر بر توسعه امنیت پایدار در قالب مدل SWOT شناسایی گردیده سپس بر اساس ماتریس QSPM به اولویت‌بندی راهبردهای امنیت پایدار پرداخته می‌شود.

مبانی نظری

در این پژوهش سعی شده با درک ارکان و مؤلفه‌های نوین و رویکردهای مؤثر به تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه راهبردهای امنیت پایدار در آمایش مناطق مرزی پرداخته شود.

نگرش‌های حاکم در رابطه توسعه و امنیت

گستره مفهوم امنیت، عرصه تصمیم سازی، کنش و واکنش‌های حرفه‌ای است. امنیت مفهومی ذهنی، نسبی و مقوله‌ای چندوجهی است که رابطه متقابل و دوسویه با پیشرفت و توسعه دارد (Alaee, 2012:3). توسعه و امنیت دارای ارتباطات متقابل می‌باشند، از یکسو توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت در کشور می‌انجامد و از سوی دیگر فراهم آمدن امنیت ملی، یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی را فراهم می‌آورد (Ahmadipour et al., 2007:29). بر اساس تحقیقات انجام شده امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با یکدیگر می‌باشند. به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و بالعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخص‌های بالایی توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته‌تر برخوردارند (Ghaderi et al., 2010:136). در این رابطه چهار نگرش به شرح زیر قابل درک است:

الف) نگرش قائل به تقدم امنیت بر توسعه: این نگرش قائل است که توسعه در بستر امنیت شکل می‌گیرد و تا زمانی که امنیت شکل نگیرد، امکان توسعه همه‌جانبه وجود ندارد. نمونه بارزی از چنین تفکری عراق می‌باشد. این کشور با داشتن تراکم جمعیتی و تمرکز منابع نفتی و سوابق تاریخی ستیز تمدن‌ها در حول و حوش مرز شرقی خود، اولویت نخست را به امنیت مناطق مرزی می‌دهد.

ب) نگرش قائل به تقدم توسعه بر امنیت: این نگرش قائل به این است که هرگونه ایجاد امنیت در مناطق مرزی منوط به بهبود شرایط توسعه و توسعه یافتگی مناطق است. این دیدگاه

بر این عقیده استوار است که توسعه‌نیافتگی عامل اصلی ناامنی است. بر این اساس برای تحقق امنیت در مرزها ابتدا باید بر روی توسعه این مناطق تمرکز نمود.

ج) نگرش قائل به درک متقابل توسعه و امنیت: در این نگرش، عقیده غالب بر آن نیست که امنیت و توسعه بر یکدیگر مقدم‌اند بلکه ارتباط هم‌عرض و هم‌سنگ توسعه و امنیت برای آن حائز اهمیت است. اهمیت امنیت در کشورهایی که به این دیدگاه معتقدند با اهمیت توسعه، هم‌سنگ و در ارتباط با یکدیگر است. به عبارت دیگر در این کشورها درک متقابلی از توسعه و امنیت دیده می‌شود و آن‌ها را لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانند (Andalib,2001:193).

د) نگرش قائل به تفکیک توسعه و امنیت در عرصه عمل: در این نگرش درک متقابل از امنیت و توسعه وجود ندارد و مسئولین و برنامه‌ریزان هر یک از دو حوزه امنیت و توسعه به کار خود مشغول‌اند. از مهم‌ترین ویژگی‌های کشورهای با چنین نگرشی عبارت‌اند از: گستردگی پهنه سرزمین و ضعف پیوندهای فضایی بین مناطق کشور و همین‌طور وجود همین ضعف با کشور همسایه به دلیل گستردگی سرزمین، عدم وابستگی کشور به منابع واقع در مرز، عدم توانایی دولت مرکزی و دستگاه‌های تابع ملی و محلی در استفاده مناطق مرزی (Ezzati et al.,2011:185).

مناطق مرزی

مناطق مرزی، از نقاط حساس و استراتژیک کشور به حساب می‌آیند، طبیعت منزوی و غیر حاصلخیز مناطق مرزی، بخصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی ایران پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است، ناتوانی‌های بالقوه در تولید، فقدان اشتغال مناسب، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده‌ترین مشخصه اقتصادی، اجتماعی این مناطق است که زمینه را برای تخلیه این مناطق فراهم نموده است (Mosavi et al.,2014:193). این مناطق به لحاظ اقتصادی ضعیف و شکننده خواهند بود زیرا مرزهای ملی و کشوری سبب قطع شدن و حذف مناطق وابسته خواهند بود. البته رشد و رونق فعالیت‌های تجاری در مرزها

تأثیرات مثبتی در توسعه این مناطق خواهند داشت (Ebrahimzade et al.,2012:218). اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقشی اساسی در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر و تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی ایفا کند (Mokhtari hashi et al.,2014:242). در ادامه، به ویژگی مناطق مرزی پرداخته می‌شود:

جدول شماره ۱: ویژگی مناطق مرزی

منبع: مختاری‌هشی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۴

Mokhtarihashietal2014:114

دوری از مرکز: بیانگر فاصله مکانی - جغرافیایی مناطق مرزی از سرزمین اصلی است.
انزوا و حاشیه‌ای بودن مناطق مرزی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته، بیانگر تفاوت‌های عمیق عملکردی ساختاری هستند.
ناپایداری الگوی اسکان و سکونت: به دلیل شرایط جغرافیایی مناطق مرزی، که عموماً مناطق با طبیعت خشن و صعب‌العبور هستند.
نظام و الگوی مراودات و تبادلات مناطق مرزی، با توجه به موقعیت مراددهای خود در مرز حائل سیاسی بین دو کشور، از فرصت و ظرفیت لازم برای تقویت کنش‌های اقتصادی ویژه برخوردارند.
تفاوت‌های فرهنگی - قومی و نژادی: معمولاً و در بسیاری از کشورهایی که خطوط مرزی گسترده‌ای دارند و تنوع قومیت‌ها در آن شدید است، مسئله تفاوت‌های فرهنگی و قومی بین نواحی مرکزی و مرزی حالت شدیدتری به خود می‌گیرد.
تهدیدات خارجی: مناطق مرزی به دلیل اتصال به کشورهای هم‌جوار، که ممکن است با تعارضات سیاسی نیز همراه باشد.
ساختار دوگانه و دوگانگی سیستمی: در نگرش سیستمی به عناصر سرزمین ملی مشاهده می‌شود که عموماً مناطق مرزی از ساختاری دوگانه برخوردارند که این امر موجب تضعیف و بروز تعارضات توسعه‌ای در کشور می‌شود.

آمایش مناطق مرزی

آمایش مناطق مرزی نوعی برنامه‌ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع، از نیازهای مناطق مرزی، در چارچوبی که مناطق مرزی دارند، به یکدیگر پیوند می‌دهد و راهکارهای برای توسعه مناطق مرزی معرفی می‌کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می‌شوند (Andalib&Matuf,2009:62). مهم‌ترین پایه‌های نظری توسعه منطقه‌ای که در آمایش مناطق

مرزی تاکنون مورد استفاده قرار گرفته، متکی بر نظریه‌های مکان مرکزی^۱ والتر کریستالر^۲، نظریه قطب رشد^۳ پیرو^۴، نظریه مرکز - پیرامون^۵ جان فریدمن^۶ بوده است. گرچه این نظریه‌ها به صورت مستقیم به موضوع مناطق مرزی نپرداختند، اما دیدگاه‌هایی نظری در رابطه با پدیده عدم تعادل منطقه‌ای را مطرح ساختند که بر نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظری مناطق مرزی تأثیرگذار بوده است. تفصیل نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظری آمایش مناطق مرزی به شرح زیر است:

نظریه کریستالر

یکی از مهم‌ترین و متقدم‌ترین نظریات آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای توسط والتر کریستالر ارائه شد که در زیر مفهوم مرز از دیدگاه کریستالر بیان شده است: ۱- نوعی سلسله مراتبی مرزبندی به صورت متداخل در محل تقاطع حوزه‌های نفوذ مکان‌های مرکزی با یکدیگر وجود دارد؛ ۲- عامل تعیین‌کننده‌ای جدایی و مرز پذیری، حوزه‌های نفوذ مکان‌های مرکزی دریافت خدمات و سرمایه‌گذاری‌های مربوط به آن است؛ ۳- مرزهای زمینی باعث ایجاد گسل و شکاف در نظام فضایی سلسله مراتبی مناطق پیوسته می‌شود؛ ۴- نقاط مرزی از نوعی خصلت انتخاب برخوردار می‌شوند (این که به کدام مرکز نزدیک‌ترند و یا امکانات بیش‌تر دریافت می‌کنند) (Ezzati et al., 2011:186).

نظریه قطب رشد

مرز در مفهوم نظریه قطب رشد، دورترین نقطه‌ای است که شعاع تأثیرات توسعه‌ای قطب رشد به آنجا می‌رسد. بر این اساس، مرز منطقه‌ای است که کمترین بهره‌مندی از تشعشعات توسعه‌ای قطب رشد را دریافت می‌کند؛ به این جهت مناطق مرزی اغلب مناطقی محروم، توسعه‌نیافته و عقب‌مانده به شمار می‌روند. از آنجا که اساس این نظریه بر توسعه اقتصادی، به‌ویژه صنعتی، متکی

1 Central Place Theory

2 Walter Christaller

3 Growth Pole

4 Perroux

5 The Periphery- Core Theory

6 John Freedman

است و برای سرمایه‌گذاری کلان اقتصادی باید شرایط ویژه‌ای وجود داشته باشد که به‌طور عمده، در مناطق میانی و مرکزی فراهم است، لذا توسعه مرزی از طریق توسعه قطب رشد با تأخیر زمانی انجام می‌گیرد. موانع گمرکی، قطع یا نامناسب بودن راه‌های ارتباطی جزو موانع تأخیر توسعه‌اند اما به‌مرور زمان آثار توسعه ایجاد شده در قطب رشد به شکست امواج در فضاهای اطراف خود منتشر می‌شود. در منطقه مورد بررسی، بر اساس نظریه قطب رشد که معتقد به پخش توسعه تا شعاع معینی است تصور می‌شود در میان مدت آثار توسعه‌ای ناشی از فعالیت‌های اقتصادی در حوزه نفوذ آن‌ها، یعنی جایی که سکونتگاه‌های شهری و روستایی پراکنده‌اند، منتشر شود (Ghanbari&Rustae,2013:339).

نظریه مرکز - پیرامون

این نظریه نخستین بار در دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۶۷ توسط جان فریدمن ارائه شد: (۱) مرزها به دلیل واقع شدن در مناطق پیرامونی و دور از مرکز اولاً بی‌توجهی کامل قرار می‌گیرند؛ چراکه امکان بهره‌برداری از منابع آن‌ها کمتر از مناطق نزدیک به مرکز است. ثانیاً به دلیل این بی‌توجهی، حداقل منابع موجود این مناطق نیز به‌سوی مناطق مرکزی یا مناطق نزدیک‌تر به آن تمایل می‌یابند؛ (۲) به دلیل تفاوت بسیار زیاد بین مرکز هر منطقه و دورترین نقاط مناطق پیرامونی آن (مرزها)، تضاد منافع بین مرکز منطقه و نقاط مرزی تشدید می‌شود؛ (۳) به دلیل تأکید بر تمرکز همه منابع قابل بهره‌برداری در مرکز منطقه، در واقع یک خط مرزی ذهنی و درعین حال قابل لمس میان مرکز و پیرامون ترسیم می‌شود. بدین جهت، خط مرزی این دو بسیار شفاف و قابل تشخیص است؛ (۴) به دلیل تأخیر در تأثیرپذیری و بهره‌مندی مناطق مرزی از مرکز منطقه، سرعت توسعه‌یافتگی در مناطق مرزی به‌کندی صورت می‌گیرد (Ezzati et al,2011:186). نظریه مرکز-پیرامون، مرزهای بین‌المللی کشورها را یکی از موانع در برابر بهبود مناطق مرزی می‌داند به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران این نظریه فرآیند یکپارچگی اقتصادی و همکاری‌های بین مرزی، نظم اقتصادی و توسعه فضایی مناطق مرزی و پیرامونی را تغییر خواهد داد و موجب رونق و جمعیت‌پذیری و اهمیت استراتژیکی این شهرها خواهد گشت (Mosavi et al,2010:109).

نظریه نایلز هانسن^۱

هانسن ویژگی‌های مناطق مرزی را بر اساس نظریه مکان مرکزی و نظریه قطب رشد و دیگر نظریه‌های مرتبط با برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تجزیه و تحلیل کرد. وی در مطالعات خود با اشاره به ویژگی‌های مثبت و منفی مناطق مرزی آن‌ها را دسته‌بندی کرد. ویژگی‌های مثبت و منفی مناطق مرزی از دیدگاه او عبارت است از: الف - ویژگی‌های مثبت: ۱- توسعه فعالیت‌های تجاری و فرهنگی در مناطق مرزی، به علت شعاع نفوذی که در کشورهای مجاور پیدا می‌کند، بیشتر از مناطق مرکزی است و این پدیده می‌تواند در فرایند توسعه مناطق مرزی و کل کشور به کار گرفته شود؛ ۲- سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی نسبت به مناطق داخلی به علت فرار از مالیات یا معافیت مالیاتی سود بیشتری دارد. ب - ویژگی‌های منفی: ۱- عدم تعادل میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی که بر فرایند توسعه در این مناطق تأثیر می‌گذارد؛ ۲- ناهمخوانی میان اهداف سیاسی و اقتصادی و ظهور مشکلات مربوط به آن در مناطق مرزی.

هانسن، اصول کلی و ویژگی‌های مناطق مرزی را به شرح زیر بیان می‌کند:

۱) وجود موانع مرتبط با تجارت بین‌المللی (که در مناطق مرزی اعمال می‌گردد)؛ ۲) قطع ارتباط با کشورهای مجاور به علت تفاوت‌های گوناگون در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی؛ ۳) خطر تهدید و تهاجم نظامی؛ ۴) گسست در ساختار فضایی این مناطق بر اثر ایجاد مرزهای فیزیکی. هانسن استدلال می‌کند؛ مادامی که این شرایط برقرار و این خصوصیات برای مناطق مرزی باقی است، مناطق مرزی به صورت مناطق محروم، توسعه نیافته و پیرامونی باقی خواهد ماند (Mokhtari hashi et al,2014:243).

دیدگاه‌های جونز و وایلد

فیلیپ جونز^۲ و تروور وایلد^۳ مقاله تحقیقی خود را در تحلیل تغییرات فضایی ساختاری در مرز پیشین دوپاره آلمان پس از برقراری مرز و برداشتن موانع مرزی نوشتند. به عقیده جونز و وایلد،

1 Niles Hansen

2 Philip N. Jones

3 Trevor Wild

مناطق مرزی به عنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته شناخته می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن گرچه می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، اما خود پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد. آنان معتقدند با برقراری مرز بین دو کشور، فضاهایی که به یکدیگر متصل‌اند و تداوم فضایی را تأمین می‌کنند، از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند این حاشیه‌ای بودن، علت عقب‌ماندگی این نواحی است. بر اساس عقاید جونز و وایلد، برای برنامه‌ریزی توسعه مناطق مرزی این اصول باید مورد توجه قرار گیرند: ۱) درک پیچیدگی، گستردگی و تنوع متغیرها و تأثیرات آن‌ها در مرز؛ ۲) لزوم تأمین شرایط و زیرساخت‌های توسعه مرزها؛ ۳) ضرورت خروج از انزوا و گسترش ارتباطات با داخل و خارج؛ ۳) لزوم پیوستگی مرز با مرکز؛ ۴) لزوم حمایت و پشتیبانی‌های ویژه از این مناطق جهت خروج فوری از محدودیت و دستیابی به توسعه (Wzzati et al, 2011:188).

با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده، عدم تعادل‌های منطقه‌ای و فضایی مشهودی بین مناطق مرزی و مرکزی می‌باشند. این عدم تعادل، حرکت توسعه (به مفهوم همه‌جانبه) را با کندی مواجه ساخته و سبب گسترش ناامنی در مناطق مرزی در مرحله بعد گشته است. این تأثیرات کل سیستم یکپارچه کشور، توسعه، امنیت و مدیریت را نیز متأثر می‌سازد. به این ترتیب نظریات مورد استفاده در پژوهش بر رابطه میان توسعه و امنیت در مناطق مرزی تأکید و مورد حمایت دارد به همین جهت سعی بر این بوده تا تأثیر فضایی توسعه و امنیت بیش از پیش در این پژوهش مدنظر قرار گیرد.

پیشینه

مباحث مربوط به امنیت در کشور طی دهه‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران کشور قرار گرفته است و بررسی‌ها نشان از افزایش توجه به موضوع فوق در متون علمی کشور دارد که از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

زرآبادی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود به ارزیابی راهبردهای آمایش مناطق مرزی ایران و ترکیه پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که راهبرد افزایش سهم بازرگانی فراملی بین دانشگاه‌های کشور ایران و ترکیه مهم‌ترین راهبرد در توسعه و پیشبرد بین دو منطقه می‌باشد و

راهبرد مدیریت بهینه منابع زیر بنایی و اقتصادی از طریق توسعه فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری بین ایران و ترکیه عنوان راهبرد جایگزین می‌باشد.

پیر علی و سیادت (۱۳۹۲) در پژوهش خود به بررسی تدابیر راهبردی ناجا در گسترش امنیت پایدار در استان سیستان و بلوچستان پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش از ماتریس سوات نشان می‌دهد که راهبرد هم‌افزایی ظرفیت‌های انتظامی - امنیتی در سطح استان با توجه به شرایط موجود از اولویت بیشتری برخوردار است.

قادری و نصرتی (۱۳۹۲) به مقاله خود ضمن بررسی جغرافیای سیاسی فضای سایبری از دیدگاه جغرافیای سیاسی به چالش‌های حاکمیت در این حوزه پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش مشخص می‌کند که وجود چالش‌های پنج‌گانه شامل کاربران خانگی و تجارت‌های کوچک، تشکیلات اقتصادی بزرگ، نواحی بحرانی تأسیسات زیربنایی، آسیب‌پذیری در حوزه ملی و تهدیدهای جهانی حاکمیت‌ها در جهان مجازی است که هرکدام بایسته‌های خود را دارند که امنیت پایدار در فضای جغرافیایی را با چالش مواجه می‌سازند.

قاسمی (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی نقش رسانه‌ها در ایجاد همگرایی ملی و امنیت پایدار در استان آذربایجان غربی پرداخته است و میزان تأثیر رسانه‌ها را از دیدگاه مرز نشینان جویا شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که از بین برنامه‌های مختلف رسانه‌ای (تهیه و پخش فیلم و سریال پلیسی و گزارش‌های خبری از قبیل حوادث مرزی) بیشترین تأثیر را در ایجاد همگرایی ملی و امنیت پایدار دارند.

هدف این پژوهش عبارت است از: اولویت‌بندی راهبردهای امنیت پایدار بر اساس نگرش مردم و کارشناسان، کمک به تأمین عدالت اجتماعی، اصلاح نحوه تصمیم‌گیری مدیران در تعادل برای توسعه مناطق بر اساس روش‌های آماری و مدل‌های کاربردی می‌باشد. امروزه بر همگان مشخص است که مدیریت اداره امور مناطق مرزی با ابزارها و روش‌های سنتی دیگر میسر نیست و استفاده از روش‌ها و مدل‌های کمی و علمی در برنامه‌ریزی‌ها روزبه‌روز در حال گسترش و پیشرفت است.

به همین دلیل در پژوهش حاضر ضمن مروری گذرا بر ادبیات نظری با تکنیک SWOT و مدل QSPM به اولویت‌بندی راهبردهای امنیت پایدار می‌پردازد و در نهایت راهکارهایی برای رسیدن به توسعه و امنیت پایدار با نگاهی به آینده ارائه می‌نماید. آنچه این پژوهش را از سایر پژوهش‌ها

متمایز می‌کند استفاده ترکیب داده‌های کیفی شامل نظرات کارشناسان با مدل‌های کمی از ویژگی‌های این پژوهش است که کمتر در سایر پژوهش‌ها دیده می‌شود

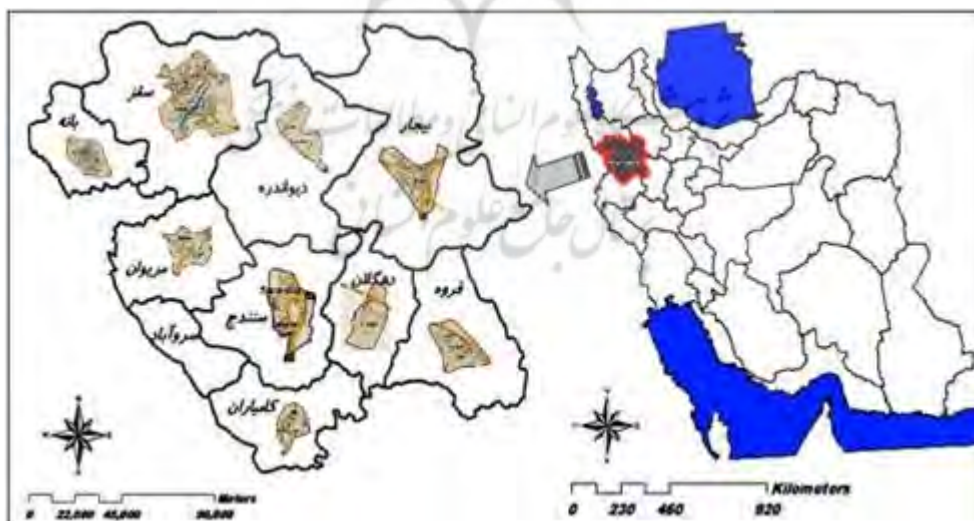
منطقه مورد مطالعه

استان کردستان با 28235 کیلومتر مربع وسعت، حدود ۱/۱۷٪ از مساحت کشور در مغرب ایران در موقعیت جغرافیایی بین 34 درجه و 44 دقیقه تا 36 درجه و 30 دقیقه عرض شمالی و 45 درجه و 3 دقیقه تا 48 درجه و 16 دقیقه طول شرقی در مجاورت مرز کشور عراق قرار دارد و مرزهای شمالی، شمال شرقی، شرقی و جنوب آن در داخل کشور را استان‌های آذربایجان غربی، زنجان، همدان و کرمانشاه تشکیل می‌دهند (Nayebpour et al, 2013:17). بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ کل جمعیت استان ۱۴۹۳۶۴۵ نفر گزارش شده است که ۸۵۵۸۱۹ نفر، ۵۹/۴۲ درصد در نقاط شهری و ۵۸۴۳۳۷ نفر، ۴۰/۵۷ درصد در نقاط روستایی ساکن هستند. این استان در سال ۱۳۸۹ متشکل از ۱۰ شهرستان، ۲۳ نقطه شهری، ۲۷ بخش، ۸۴ دهستان و ۱۷۵۳ روستای دارای سکنه می‌باشد (Annual Statistics Report of Kordestan Porvince, 2008:61).

شکل شماره ۱: موقعیت جغرافیای استان کردستان در کشور

Source: Authors 2014

منبع: نگارندگان ۱۳۹۳



روش پژوهش

جهت دستیابی به اهداف تحقیق، در این مقاله از روش ترکیبی (روش‌های پیمایشی و روش توصیفی-تحلیلی) استفاده شده است. ابتدا با توجه به منابع و اطلاعات اسنادی موجود و باهدف شناسایی تهدیدها، آسیب‌شناسی، ظرفیت‌سنجی و ارائه الگوی متناسب با منطقه و توجه به عوامل استقرار امنیت در استان کردستان، مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای امنیت پایدار شناسایی شد. جامعه آماری مطالعه شده در این تحقیق را دو گروه تشکیل می‌دهد: گروه اول اساتید دانشگاه، دانشجویان کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی و علوم سیاسی و گروه دوم کارشناسان مرتبط با امور امنیت استان که با روش گلوله برفی تعداد ۳۵ نفر انتخاب گردیدند. این نمونه‌گیری که روش غیر احتمالاتی است در مواقعی به کار می‌رود که شناختی از کل جامعه آماری وجود ندارد و چارچوب نمونه‌گیری مشخص نیست. در این نمونه‌گیری، مشارکت‌کننده یا مشارکت‌کنندگانی انتخاب می‌شوند و از طریق آن‌ها و با توجه به ویژگی‌هایی موردنظر محقق به مشارکت‌کنندگان بعدی می‌رسد. این روال تا آنجا ادامه می‌یابد که افراد دیگر مطالب جدیدی برای ارائه نداشته باشند. در مرحله بعدی از دو ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی استفاده شد. برای تشکیل این ماتریس‌ها عوامل شناسایی شده در قالب پرسش‌نامه و با استفاده از روش طیف لیکرت وزن دهی گردیدند. برای وزن دهی به هر یک از عوامل وزنی از صفر (بی‌اهمیت) تا یک (بسیار مهم) داده شد که جمع این اوزان باید برابر یک شود. جهت سهولت در وزن دهی به هر عامل عددی بین ۱ تا ۵ (۱=بی‌اهمیت، ۲=اهمیت ضعیف، ۳=اهمیت متوسط، ۴=اهمیت زیاد و ۵=بسیار مهم) داده و ستون را نرمالیز نموده تا وزن‌هایی بین صفر تا یک برای هر عامل به دست آید و مجموع اوزان نیز یک شود. سپس به هریک از این عوامل نمره ۱ تا ۴ داده شد. درنهایت با ضرب نمره در وزن، ارزش‌هایی هر عامل محاسبه گردید. جمع ارزش‌ها و نمرات، ارزش‌هایی هر یک از عوامل چهارگانه (نقاط ضعف و قوت، تهدیدها، فرصت‌ها) محاسبه می‌شود که مبنای پایه در تدوین استراتژی‌ها می‌باشند.

در نهایت برای برآورد امتیازات هر یک از راهبردها و اولویت‌بندی آن‌ها از ماتریس کمی استراتژیک (QSPM¹) اولویت‌بندی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

به منظور ارائه راهبردهای مناسب امنیت پایدار در آمایش مناطق مرزی کردستان، شناخت عوامل چهارگانه مدل SWOT در جهت رفع ضعف‌ها و تهدیدها و بهبود وضعیت قوت‌ها و فرصت‌ها امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. در حقیقت SWOT ابزاری است که عموماً برای کنار هم قرار دادن یافته‌های تحلیل فشارهای خارجی و قابلیت‌های داخلی استفاده می‌شود و تحلیل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها است که مستلزم شناسایی نقاط قوت و ضعف ناحیه در ارتباط با بازار و فرصت‌ها و تهدیدهایی است که بر اساس روندهای پیش‌بینی‌شده محیطی ارائه شده است (Preble, 1988).

ماتریس ارزیابی عوامل داخلی^۲

این ماتریس نیز شامل چهارستون است، در ستون اول عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) فهرست می‌شوند. سپس در ستون دوم با توجه به میزان اهمیت و سپس در ستون دوم با توجه به میزان اهمیت و حساسیت هر عامل، ضریب اهمیتی بین صفر الی یک (۰-۱) به آن عامل تعلق می‌گیرد در ستون سوم با توجه به کلیدی یا عادی بودن قوت‌ها و ضعف‌ها به ترتیب رتبه ۴ یا ۳ (به قوت‌ها) و رتبه ۲ یا ۱ (به ضعف‌ها) اختصاص پیدا می‌کند. در ستون چهارم ضرایب ستون دوم و رتبه‌های ستون سوم برای هر عامل در هم ضرب می‌شوند تا امتیاز نهایی آن عامل (قوت یا ضعف) مشخص شود. چنانچه جمع کل امتیازات نهایی در این ماتریس بیش از ۲/۵ باشد بدین معنی است که طبق پیش‌بینی‌های به‌عمل‌آمده، قوت‌های پیش رو بر ضعف‌ها غلبه خواهد داشت و اگر این امتیاز کمتر از ۲/۵ باشد نشان‌دهنده غلبه ضعف‌ها بر قوت‌ها است (Kazemi et al, 2013:52).

1 Quantitative Strategic Planning Matrix
2 Internal Factor Evaluation

جدول ۲: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی مؤثر بر توسعه امنیت پایدار در استان کردستان

عوامل	وزن	نمره	ضریب نهایی
S1 ظرفیت‌های انتظامی - امنیتی در سطح استان	۰/۰۵۷	۳	۰/۱۷۱
S2 گسترش امنیت انتظامی جامعه‌محور	۰/۰۵۲	۴	۰/۲۰۸
S3 ایجاد و تقویت مراکز صیانت از حقوق شهروندی	۰/۰۴۸	۳	۰/۱۴۴
S4 تقویت زیرساخت‌های توسعه پایدار	۰/۰۵۳	۳	۰/۱۵۹
S5 تدوین سیاست جامع امنیت عمومی استان	۰/۰۶۱	۴	۰/۲۴۴
S6 نظارت دقیق و قوی فرماندهی انتظامی استان	۰/۰۵۶	۳	۰/۱۶۸
S7 درآمد ناشی از حضور گردشگری تجاری	۰/۰۶۱	۴	۰/۲۴۴
S8 وجود زمینه‌های لازم جهت توسعه همه‌جانبه	۰/۰۵۹	۴	۰/۲۳۶
S9 وجود افراد تحصیل کرده و متخصص بومی در استان	۰/۰۶۱	۴	۰/۲۴۴
S10 توجه ویژه نیروی انتظامی به بهبود وضعیت فرهنگی و اجتماعی منطقه	۰/۰۴۸	۳	۰/۱۴۴
جمع	۰/۵۰۵		۱/۹۶۲
W1 توسعه اقتصادی نامتوازن در دو سوی مرز	۰/۰۵۶	۲	۰/۱۱۶
W2 گسترش قاچاق و بازخورد منفی آن بر امنیت	۰/۰۵۱	۲	۰/۱۰۲
W3 شرایط خاص جغرافیای طبیعی مرز	۰/۰۳۳	۱	۰/۰۳۳
W4 عدم توسعه اقتصادی مناطق استان	۰/۰۵۳	۲	۰/۱۰۶
W5 نقش تصدی‌گری دولت در مناطق مرزی	۰/۰۴۷	۲	۰/۰۹۴
W6 وضعیت نامشخص سرمایه‌های در گردش و حمایت ضعیف از سرمایه‌گذاری	۰/۰۴۸	۲	۰/۰۹۶
W7 کمبود امکانات، خدمات و زیرساخت‌ها	۰/۰۵۱	۲	۰/۱۰۲
W8 جدایی مناطق از برنامه‌های توسعه و امنیت	۰/۰۵۳	۲	۰/۱۰۶
W9 تردهای غیرمجاز گسترده	۰/۰۵۶	۲	۰/۱۱۲
W10 توسعه نامتوازی و هم‌زمان زیرساخت‌های امنیت مرزی	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷
جمع	۰/۴۹۵		۰/۸۲۴
جمع کل	۱		۲/۷۹

بر اساس جدول ۲ امتیاز وزنی عوامل داخلی (۲/۷۹) که بیشتر از ۲/۵ بوده و نشان‌دهنده غلبه نقاط قوت بر نقاط ضعف توسعه امنیت پایدار در استان کردستان است. مهم‌ترین نقاط قوت شامل "وجود افراد تحصیل کرده و متخصص بومی در استان" و "تدوین سیاست جامع امنیت عمومی استان" بود و مهم‌ترین نقاط ضعف عبارت‌اند از "تردهای غیرمجاز گسترده" و "گسترش قاچاق و بازخورد منفی آن بر امنیت" می‌باشند.

ماتریس ارزیابی عوامل خارجی

این ماتریس شامل چهارستون می‌باشد، در ستون اول عوامل خارجی که مؤثر بر امنیت پایدار استان کردستان تأثیر می‌گذارند در قالب فرصت‌ها و تهدیدها فهرست شده‌اند. سپس در ستون دوم با توجه به میزان اهمیت و حساسیت هر عامل، با مقایسه این عوامل با یکدیگر، ضریب اهمیتی بین صفر الی یک (۰-۱) به آن عامل تعلق می‌گیرد در ستون سوم با توجه به کلیدی یا عادی بودن فرصت‌ها و تهدیدها به ترتیب رتبه ۴ یا ۳ (به فرصت‌ها) و رتبه ۲ یا ۱ (به تهدیدها) اختصاص پیدا می‌کند. در ستون چهارم، ضرایب ستون دوم و رتبه‌های ستون سوم برای هر عامل در هم ضرب می‌شوند تا امتیاز نهایی آن عامل (فرصت یا تهدید) مشخص شود. چنانچه جمع کل امتیاز نهایی در این ماتریس بیش از ۲/۵ باشد بدین معنی است که طبق پیش‌بینی فرصت‌های پیش رو، بر تهدیدها غلبه خواهد کرد و اگر این امتیاز کمتر از ۲/۵ باشد نشان‌دهنده غلبه تهدیدها بر فرصت‌ها خواهد بود (Kazemi et al,2013:51).

جدول ۳: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی مؤثر بر توسعه امنیت پایدار در استان کردستان

عوامل	وزن	نمره	ضریب نهایی
O1 توسعه بازارچه‌های مرزی	۰/۰۷۹	۴	۰/۳۱۶
O2 ایجاد و توسعه مناطق آزاد تجاری	۰/۰۷۸	۴	۰/۳۱۲
O3 عملکرد رسانه‌ها و افزایش احساس امنیت	۰/۰۵۸	۳	۰/۱۷۴
O4 افزایش ظرفیت‌های نظامی-امنیتی ایران و عراق	۰/۰۶۳	۳	۰/۱۸۹
O5 توجه ویژه دولت به مسئله امنیت در مرزهای استان کردستان	۰/۰۸۳	۴	۰/۳۳۲
O6 تقویت هویت ملی از طریق خرده‌فرهنگ‌ها	۰/۰۶۵	۳	۰/۱۹۵
O7 حمایت دولت از بخش خصوص در بخش اشتغال‌زایی	۰/۰۶۹	۴	۰/۲۷۶
جمع	۰/۴۹۵		۱/۷۹۴
T1 حضور نظامی آمریکا و ناتو در مجاورت مرزهای کردستان	۰/۰۸۳	۲	۰/۱۶۶
T2 ناپایداری امنیتی در عراق	۰/۰۷۹	۲	۰/۱۵۸
T3 ترویج و تبلیغ جریان‌های رادیکال مذهبی	۰/۰۶۷	۲	۰/۱۳۴
T4 عدم اقتدار و اشراف کشور عراق بر مرزهایش	۰/۰۶۵	۲	۰/۱۳۰
T5 آسیب امنیتی ناشی از گسترش قاچاق کالا	۰/۰۶۹	۱	۰/۰۶۹
T6 بی‌ثباتی سیاسی در کشور همسایه	۰/۰۷۴	۱	۰/۰۷۴
T7 وجود گروه‌های معاند جمهوری اسلامی در مرزهای استان با عراق	۰/۰۶۸	۲	۰/۱۳۶
جمع	۰/۵۰۵		۰/۸۶۷
جمع کل	۱		۲/۶۶

بر اساس جدول ۳ امتیاز وزنی عوامل خارجی (۲/۶۶) که بیشتر از ۲/۵ بوده و نشان‌دهنده غلبه فرصت‌ها بر نقاط تهدیدها در توسعه امنیت پایدار در استان کردستان است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که مهم‌ترین فرصت " توجه ویژه دولت به مسئله امنیت در مرزهای استان کردستان" و مهم‌ترین تهدید " حضور نظامی آمریکا و ناتو در مجاورت مرزهای کردستان" بودند. حاصل برآیند امتیاز نهایی کل عوامل خارجی و امتیاز نهایی کل عوامل داخلی به ماتریس داخلی-خارجی (IE) منتهی می‌شود. در این ماتریس که شبیه چارچوب دستگام مختصات ریاضی است، IFE محور X (محور افقی) و EFE محور Y (محور عمودی) را شامل می‌شود. تلاقی دو محور، موقعیت راهبردی سیستم را نشان می‌دهد. در واقع هدف از این ارزیابی شناسایی یکی از چهار الگوی تدافعی (WT)، محافظه‌کارانه (WO)، تهاجمی (SO) و رقابتی (ST) هر مجموعه است. با توجه به نتایج به دست آمده، وضعیت توسعه امنیت پایدار در استان کردستان در موقعیت تهاجمی (SO) قرار دارد (شکل ۲) و بایستی با بهره‌گیری از نقاط قوت درصدد بهره‌برداری از فرصت‌ها برآیم تا بتوانیم در امر مدیریت امنیت به رشد و شکوفایی و توسعه پایدار امنیت دست یابیم.



شکل ۲: موقعیت امنیت پایدار استان کردستان در ماتریس داخلی/خارجی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

تدوین و اولویت‌بندی راهبردهای SWOT

در این مرحله با استفاده از تحلیل تطبیقی و ماتریس‌های ارزیابی عوامل درونی و خارجی به ارائه انواع راهبردهای ممکن در برنامه‌ریزی برای توسعه امنیت پایدار پرداخته شد. این راهبردها چهار دسته SO (تهاجمی)، ST (تنوع)، WO (محافظه‌کارانه) و WT (تدافعی) را شامل می‌شوند. گزینه‌های راهبردی از بین این چهار دسته انتخاب می‌شوند که پیونددهنده نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها هستند. راهبردهای ارائه‌شده در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول شماره ۴: استراتژی‌های تدوین شده

St ₁	مکان‌یابی مراکز نظامی و پاسگاه‌های مرزی جهت تقویت احساس امنیت
St ₂	تشویق مشارکت مردمی جهت تقویت هویت ملی
St ₃	برگزاری دوره‌های آموزشی و فرهنگی در سطح استان
St ₄	مبارزه با اشراک و قاچاقچیان در سطح استان
St ₅	آماده‌سازی حداکثری نیروی انتظامی جهت مقابله با ناامنی‌های احتمالی
St ₆	آماده‌سازی طرح آمایش امنیتی در سطح استان
St ₇	انجام مطالعات راهبردی روی شاخص‌های امنیت پایدار در تمام سطوح مختلف
St ₈	تعامل و همکاری‌های سیاسی و امنیتی با دولت عراق
St ₉	فعال نمودن بازارچه‌های مرزی و ایجاد منطقه آزاد تجاری جهت تقویت و مبادله کالا
St ₁₀	هم‌افزایی ظرفیت‌های امنیتی-انتظامی در سطح استان
St ₁₁	استحکام بخشی با پیوند فرهنگ محلی با فرهنگ ملی در راستای تقویت روند توسعه و امنیت منطقه
St ₁₂	همکاری همه نهادهای استان جهت تقویت زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی
St ₁₃	واگذاری امور اداری به نیروهای متخصص بومی
St ₁₄	اجرای طرح آمایش جمعیتی در استان
St ₁₅	کاهش نقش تصدی‌گری دولت
St ₁₆	تقویت شبکه‌های ارتباطی
St ₁₇	توسعه امکانات زیرساختی جهت جذب بیشتر گردشگر در استان
St ₁₈	توجیه ارگان‌ها و نهادهای امنیتی نسبت به مسئله اقتصاد غیررسمی مرزی
St ₁₉	افزایش تعامل نیروی انتظامی با مردم بومی استان

*St=Strategy

برای اولویت‌بندی راهبردها از ماتریس QSPM استفاده شده روشی تحلیلی است که با آن جذابیت نسبی راهبردها مشخص می‌شود. با این روش می‌توان به صورت عینی راهبردهای گوناگونی که در زمره بهترین راهبردها هستند، مشخص کرد. برای تهیه این ماتریس نتایج ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی و نتیجه ماتریس SWOT استفاده می‌شود (MehrManesh et al, 2012). به منظور تحلیل بهتر نتایج اولویت‌بندی راهبردها در جدول ۵ آورده شده است.

جدول شماره ۵: نتیجه نهایی اولویت‌بندی استراتژی‌ها

رتبه	امتیاز	استراتژی‌ها
1	6.65	آماده‌سازی حداکثری نیروی انظمای جهت مقابله با ناامنی‌های احتمالی
2	6.52	آماده‌سازی طرح آمایش امنیتی در سطح استان
3	6.29	برگزاری دوره‌های آموزشی و فرهنگی در سطح استان
4	6.28	انجام مطالعات راهبردی روی شاخص‌های امنیت پایدار در تمام سطوح مختلف
5	6.13	کاهش نقش تصدی‌گری دولت
6	6.11	افزایش تعامل نیروی انظمای با مردم بومی استان؛
7	5.97	استحکام‌بخشی با پیوند فرهنگ محلی با فرهنگ ملی در راستای تقویت روند توسعه و امنیت منطقه
8	5.91	توسعه امکانات زیرساختی جهت جذب بیشتر گردشگر در استان
9	5.78	تشویق مشارکت مردمی جهت تقویت هویت ملی
10	5.75	همکاری همه نهادهای استان جهت تقویت زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی
11	5.72	توجه ارگان‌ها و نهادهای امنیتی نسبت به مسئله اقتصاد غیررسمی مرزی
12	5.69	فعال نمودن بازارچه‌های مرزی و ایجاد منطقه آزاد تجاری جهت تقویت و مبادله کالا
13	5.64	واگذاری امور اداری به نیروهای متخصص بومی
14	5.57	اجرای طرح آمایش جمعیتی در استان
15	5.43	مکان‌یابی مراکز نظامی و پاسگاه‌های مرزی جهت تقویت احساس امنیت
16	5.32	تعامل و همکاری‌های سیاسی و امنیتی با دولت عراق
17	5.32	تقویت شبکه‌های ارتباطی
18	5.27	هم‌افزایی ظرفیت‌های امنیتی-انظمای در سطح استان
19	5.15	مبارزه با اشراار و قاچاقچیان در سطح استان

نتایج ماتریس های QSPM نشان می دهد که از بین راهبردهای تدوین شده بالاترین جذابیت مربوط به آماده سازی حداکثری نیروی انتظامی جهت مقابله با ناامنی های احتمالی با نمره ۶/۶۵ است و پایین ترین جذابیت به راهبرد مبارزه با اشرار و قاچاقچیان در سطح استان با نمره ۵/۱۵ تعلق دارد. لازم به ذکر است که انتخاب استراتژی "آماده سازی حداکثری نیروی انتظامی جهت مقابله با ناامنی های احتمالی" با اولویت اول در جداول ۶ به عنوان استراتژی برتر، به این معنی نیست که دیگر استراتژی ها نمی توانند در توسعه امنیت پایدار استان کردستان تأثیر داشته باشند، بلکه معنی آن این است که به کارگیری این راهبرد به دلیل اینکه در شرایط فعلی عمده ترین تهدید امنیت این استان از سوی ناامنی کشور عراق است لذا بهتر است توجه استان در این استراتژی بیشتر باشد. آنچه از نتایج ماتریس مشخص است این است که استان کردستان در تمام استراتژی ها دارای قابلیت خوبی است چراکه وزن نهایی میان استراتژی ها به خوبی توزیع شده است به طوری که فاصله بین استراتژی ها بسیار نزدیک به هم می باشد.

نتیجه گیری

یکی از مهم ترین دغدغه های مشترک کشورها، تهدید امنیت است که هم از ناحیه مرزها و هم از درون کشور، امنیت را به چالش می کشد. در این زمینه، مناطق مرزی ایران از حساسیت بیشتر برخوردارند. از آنجایی که برنامه ریزی آمایش کامل ترین و جامع ترین برنامه ای است که می توان برای هر منطقه پایه ریزی و اجرا نمود، با توجه به اینکه مناطق مرزی ایران به دلیل برخورداری از ویژگی های خاص خود که هم با محیط داخلی و هم محیط خارجی در ارتباط است واجد توجه بیشتر به داشتن برنامه ریزی امنیت پایدار در چارچوب آمایش خاص آن مناطق است. لذا در این پژوهش به اولویت بندی راهبردهای امنیت پایدار در آمایش مناطق مرزی در استان کردستان پرداخته شده است. این استان به دلیل هم مرز بودن با کشور عراق و وجود بی ثباتی های سیاسی - امنیتی این کشور، از لحاظ امنیتی دچار چالش فراوانی می باشد. در این مقاله وضعیت امنیت پایدار در استان کردستان با مدل SWOT بررسی شد. مهم ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها با همکاری کارشناسان و در قالب پرسشنامه شناسایی و

امتیازبندی شدند. نتایج نشان داد که عواملی همچون حضور نظامی آمریکا در مجاورت مرزهای کردستان، ناپایداری امنیتی و سیاسی در عراق، تردهای غیرمجاز و گسترده، توسعه نامتوازن اقتصادی در دو سوی مرز، گسترش قاچاق و ... موانع رشد و شکوفایی توسعه امنیت پایدار شده‌اند. نتیجه تجزیه و تحلیل عوامل شناسایی شده حاکی از این است که وضعیت امنیت پایدار استان از الگوی تهاجمی (SO) پیروی می‌کند. بر اساس این الگو راهبردهایی در جهت بهره‌گیری از فرصت‌ها با استفاده از قوت‌های موجود اتخاذ گردیدند. پس از تدوین ۱۹ راهبرد و اولویت‌بندی آن‌ها با ماتریس QSPM، نتایج ماتریس‌های QSPM نشان می‌دهد که از بین راهبردهای تدوین‌شده بالاترین جذابیت مربوط به آماده‌سازی حداکثری نیروی انتظامی جهت مقابله با ناامنی‌های احتمالی با نمره ۶/۶۵ است و پایین‌ترین جذابیت به راهبرد مبارزه با اشرار و قاچاقچیان در سطح استان با نمره ۵/۱۵ تعلق دارد. هرچند نیاز است مسئولان در جهت تقویت سازی سایر راهبردها به منظور ایجاد توسعه پایدار نه تنها در زمینه امنیت پایدار در توسعه مناطق مرزی، بلکه در سایر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی تلاش نمایند؛ زیرا توجه صرف به هر یک از این عوامل نمی‌تواند به آمایش مناطق مرزی رسید.

کتابنامه

- Adami, A., Khezrian, M., Abaszadeh, H., & Yazdanpanah, M. (2013). Necessities of transition to sustained national security., *Political Knowledge*, 7(14), 5-27. [In Persian]
- Ahmad Pur, Z., Mojtarihashi, H., Roknaldineftkhari, A., & Vazin, N. (2007). Study of the pace of development of political - administrative spaces in Iran Case study of Iran's Provinces in the 1st to 3rd development plans (1989-2004)., *Quarterly Geopolitics*, 3(1), 22-49. [In Persian]
- Alai, H. (2012). Sustainable Security In the document Landscape Twenty-year-old Islamic Republic of Iran., *Journal of Defense Strategy*, 39, 1-34. [In Persian]
- Andalib, A., & Matuf, S. (2009). Development and security in the border areas of planning., *Bagh-E- Nazar Journal*, 6(12), 57-76. [In Persian]
- Ebrahimzadeh, I., Mousavi, M.N., & Kzemizad, S. (2012). Spatial analysis of regional disparities between the central and border areas of Iran., *Quarterly Geopolitics*, 8(1), 214-235. [In Persian]

- Ettaat, J., & Mousavi, Z. (2011). The Relationship between regional security and development political space case study Sistan and Baluchestan Provinces in Iran., *Quarterly Geopolitics*, 7(1), 70-87. [In Persian]
- Ezzati, N., Haedaripur, A., & Aegbali, N. (2011). The role of planning in the border area planning system (Case study: Iranian border areas)., *Quarterly Journal of Human Geography*, 3(4), 197-179. [In Persian]
- Gaderi, M., & Nosrati, H. (2013). Cyberspace, governance and security challenges of sustainable., *Geography Law Journal*, 1(2), 93-118. [In Persian]
- Ghaderi, M., Abdi, E., Jalili, Z., & Baghri, N. (2010). Explanation of the role of border markets in sustainable development : A case study of South Khorasan Border Market., *Quarterly Geopolitics*, 6(3), 121-151. [In Persian]
- Ghanbari, H., & Roostaei, S. (2013). Evaluation priorities in planning and spatial planning of border areas in East Azarbaijan using network analysis process (ANP)., *Town and Country Planning*, 5(2), 335-360. [In Persian]
- Ghasemi, M. (2009). The role of the media in promoting national integration and sustainable security (With emphasis on convergence frontier West Azarbaijan)., *Discipline and Security Law*, 3, 149-178. [In Persian]
- Hedaeti, A., & Abasi, E. (2009). Scientific management is the focus of tumor mass using a geographic information system GIS: Case study of crime of robbery in the city of Qazvin., *Police Management Studies*, 2, 177-198. [In Persian]
- Heydari, S.A., Saeedi, N., Bayrami Latran, E., & Lesani, P. (2012). Formulation and categorizing Iran Behnoosh Co. strategies: An fuzzy approach., *New Marketing Research Journal*, 2(3), 135-154. [In Persian]
- Karimi, M., & Vafaei, A. (2014). Security by sustainable development in the border areas (Case study Marivan)., *Quarterly Research and Urban Planning*, 4(15), 95-112. [In Persian]
- Mokhtari Hashi, H., Momeni, M., & Bagheri, M. (2014). The preparation of spatial planning strategies for border areas (Case Study: Eastern borders of Iran)., *Geographical Research*, 29(114), 237-254. [In Persian]
- Momeni, A. (2011). Model and describe the principles of public security (social)., *Quarterly Societal Security Studies*, 28, 33-54. [In Persian]

- Mousavi, M.N., Manochehri, A., & Adebni, Z. (2014). Role border and ethnicity in the urban areas of study: Azerbaijan province., *Quarterly Geopolitics*, 10(3), 190-210. [In Persian]
- Mousavi, M.N., Zangiabadi, A., Taghvai, M., Varese, H., & Ziari, K. (2010). Analyzing spatial structure of frontier cities in Western Azarbaijan through multi-variety statistical analysis and neural networks., *Human Geography Research Quarterly*, 71, 107-121. [In Persian]
- Nami, M. (2012). Spatial planning in border areas, with an emphasis on Iran., *Quarterly Journal of Human Geography*, 5(1), 173-191. [In Persian]
- Naybpoor, M., Waysian, M., Asgari, A., & Sarani, S. (2013). Strategic planning for tourism development in the border provinces using SWOT technique (Case study: Kurdistan province)., *Journal of Border Science and Technology*, 4(3), 7-30. [In Persian]
- Pirali, A., & Seadat, S. (2013). Police strategic development of sustainable security measures in the southeastern borders (Case study: Sistan and Baluchistan)., *Journal of Border Studies*, 1(1), 103-126. [In Persian]
- Pishgahifard, Z., & Ahmadi, F. (2010). Assessment of national security threats in northern regions North border of the Iran., *Amayesh Geographical Journal*, 3(9), 53-77. [In Persian]
- Preble, J., (1988). The environmental scanning practice of U.S. multinationals in the late 1980s. *Management International Review*, 28(4), 4-14.
- Sedaiimogadam, A., & Hedatimogadam, Z. (2010). Security role in tourism development., *Journal of Social Sciences*, 4(8), 97-110. [In Persian]
- Statistical Center of Iran. (2011). <http://www.amar.org.ir/>
- Zabihi, H., Larimian, T., & Poorani, H. (2013). Developing an analytical model to increase urban security from the Secured perspective by designing (SBD) approach using fuzzy AHP method (Case study: Region 17 of Tehran)., *Urban Regional Studies and Research Journal*, 5(17), 119-136. [In Persian]
- Zarabadi, Z.S., Kaleji, M., Vazefehshenas, R., & Fathi, M. (2013). Planning strategies in assessing the border regions based on SWOT-ANP (Case study: Border area between Iran and Turkey)., *Proceeding of the Third International Conference on Environmental Planning and Management*, (Pp.1-12) Tehran: Tehran University. [In Persian]